

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

سخن در این بحث رجالی مهم و بسیار مؤثر در فقه و روایات است که این قول وجود دارد که تمام راویان از امام صادق(علیه السلام) ثقة هستند و اینها چهار هزار نفرند مگر آن افرادی که دلیلی بر ضعف آنها داریم. از این چهار هزار نفر، بگوئیم هزار نفر هم دلیل بر ضعف داریم، ولی خود این دیدگاه اگر تثبیت شود، بسیار مسئله روشن شده و اثر دارد. وقتی به رجال شیخ طوسی(قدس سره) مراجعه می‌کنید، در بسیاری از موارد اسم یک راوی را می‌آورد و بعد می‌گوید: «من اصحاب الصادق(علیه السلام)» که این فقط به این معنا نیست که بخواهد طبقه‌اش را بگوید و این که این راوی در چه زمانی بوده و از اصحاب کدام امام بوده است، بلکه مرحوم شیخ به این جهت نیز وجه دارد.

بررسی کلام شیخ مفید(قدس سره)

شیخ مفید(قدس سره) در ارشاد این عبارت را دارد: «فَإِنَّ أَصْحَابَ الْحَدِيثِ قَدْ جَمَعُوا أَسْمَاءَ الرُّوَاةِ عَنْهُ مِنَ الثَّقَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهِمْ فِي الْأَرْاءِ وَالْمَقَالَاتِ فَكَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافٍ رَجُلًا»^[1]؛ اصحاب حدیث (یعنی کسانی که احادیث را جمع‌آوری می‌کنند)، اسماء روات از امام صادق(علیه السلام) از ثقات را جمع کردند. عبارت: «من الثقات»، متعلق به این اسماء الرواة یا الرواة است نه این که متعلق به اصحاب الحدیث باشد.

مؤید این بیان ما این است که اینها ثقة هستند «على اختلافهم في الآراء والاقوال والمذاهب»؛ یعنی «على اختلافهم» مؤید ماست که شیخ مفید(قدس سره) می‌گوید اینها با وجود اختلافی که در مذاهب و آراء دارند (بین‌شان شافعی، حنفی، زیدی بوده) و با وجود اختلاف در آراء و مقالات، ثقة هستند. «كانوا اربعة آلاف رجل»؛ چهار هزار نفر هستند.

بنابراین به نظر ما، شیخ مفید(قدس سره) می‌گوید چهار هزار نفر اسم رواتی است که ثقة هستند و اصلاً لازم نیست افراد ثقة بگویند اینها چهار هزار نفرند، مثل این که بگوئیم اسامی شاگردان درس فلان آقا این است، دیگر لازم نیست که من ثقة باشم و ثقة بودن من اصلاً اثری ندارد.

نکته: در باب إخبار یا شهادت رجالی، دیدگاه ما این است که ظنّ در موضوعات را حجت می‌دانیم؛ یعنی در یک سری موضوعات هست که مظنه کفایت می‌کند و اصلاً عقلاً در آنجا علم را لازم نمی‌دانند. مثل سیادت سادات محترم که ظنّ به سیادتشان باشد کافی است. شهرت برای ما ظنّ می‌آورد و ظنّ در موضوعات را ما حجت می‌دانیم، در انساب ظنّ به این داشته باشیم که این فرزند فلانی است کفایت می‌کند، در اوقاف می‌گویند این زمین ظنّ به وقفیتش داریم کفایت می‌کند و لازم نیست

بگوئیم الآن مشهور است که اینجا موقوفه است، ولی من یقین ندارم یا وقفنامه‌اش را ندیدم. در باب شهادت به وثاقت و عدالت همین ظن کفایت می‌کند. اگر نجاشی یا شیخ طوسی (قدس سره) از قرائن، درباره یک راوی ظن به وثاقتش پیدا کرده باشند، این برای ما اعتبار دارد.

ادامه اشکالات محقق خویی (قدس سره) و ارزیابی آنها

تا کنون سه اشکال از اشکالات محقق خویی (قدس سره) بر وثاقت راویان امام صادق (علیه السلام) را بیان کردیم.

اشکال چهارم: شیخ طوسی (قدس سره) منصور دوانیقی را نیز از اصحاب امام صادق (علیه السلام) قرار داده است.

پاسخ: این سخن از محقق خویی (قدس سره) بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که شیخ مفید (قدس سره) در مقام بیان اسم راویان از امام صادق (علیه السلام) است و حال آن که منصور دوانیقی از امام صادق (علیه السلام) روایت نقل نمی‌کند! هر چند در زمان امام صادق (علیه السلام) هم بوده باشد.

معروف این است که ابو حنیفه دو سال شاگرد امام صادق علیه السلام بوده (که البته بعضی در این تردید دارند)، آیا ابوحنیفه در جایی روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است؟ شما تمام کتب عامه را بررسی کنید (مانند صحیح مسلم، صحیح بخاری و این صحاح سته و مستندهای ایشان را)، شاید تمام روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده باشد، به صد روایت هم نمی‌رسد که یکی از اشکالات به اینها این است اهل بیت عصمت و طهارت، هر چند شما امامت ایشان را نفهمیدید (و این توفیق را نداشتید که امامت آنها را درک کنید و معتقد به امامت شوید)، ولی اینها از عدول درجه یک زمان‌شان بودند یا نه؟ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از امام حسن (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) آیا گناه یا نقطه ضعف و اشکالی یا کذبی در آنها بوده است؟ شما از آدم‌هایی که هزار فسق و فجور انجام دادند، روایت نقل می‌کنید، ولی اصلاً از اینها حاضر نیستند روایت نقل کنند.

اشکال پنجم: محقق خویی (قدس سره) می‌فرماید: «كيف تصح هذه الدعوى مع أنه لا ريب في أن الجماعة المؤلفة من شتى الطبقات على اختلافهم في الآراء والاعتقادات يستحيل عادة أن يكون جميعهم ثقات»؛ چهار هزار نفر آن هم با اختلاف مذاهب آراء چطور می‌شود ثقه باشند؟!

پاسخ: اولاً، در نقل روایت مذهب و عقیده نقشی ندارد، خود شما هم قبول دارید که چه بسا یک نفر اصلاً دین نداشته باشد، ولی ثقه باشد، ثقه یعنی در نقل دروغ نمی‌گوید. الآن در زمان ما ممکن است کسی مسلمان هم نباشد، ولی ما به قولش اعتماد داریم؛ چون از او دروغ نشنیدیم و ثانیاً، اینها نمی‌خواهند بگویند تمام چهار هزار نفر، همگی بدون استثنا ثقه بودند، بلکه مرحوم شیخ حر عاملی می‌گوید ما قائل به وثاقت اینها می‌شویم مگر آن که دلیلی بر ضعف ایشان وارد شده باشد.

اشکال ششم: ایشان می‌فرماید در فرضی وثاقت این چهار هزار راوی ثابت می‌شود که بگوئیم تمام این چهار هزار نفر، از راویان امام صادق (علیه السلام) باشند که در این صورت می‌گوییم همه ثقه هستند، لیکن احتمال دیگر آن است که شاید شیخ مفید (قدس سره) و ابن شهر آشوب و دیگران می‌خواهند بگویند امام صادق (علیه السلام) بیش از چهار هزار راوی داشته که در میان هفت هشت هزار راوی، این تعداد ثقه هستند. در این صورت، این برای ما فایده‌ای ندارد؛ چون معین نیست که این تعداد کدام هستند.

عبارت محقق خویی (قدس سره): «إن أريد بالدعوى المتقدمة أن أصحاب الصادق كانوا كثيرين، إلا أن الثقات منهم أربعة آلاف،

فهي في نفسها قابلة للتصديق»؛ ممكن است در میان هفت هزار نفر هم چهار هزار تا ثقة باشند، این اشکالی ندارد، اما می‌فرماید: «إلا أنهم مخالفة للواقع»؛ اولاً با واقع مخالف است؛ زیرا «فإن أحمد بن نوح زاد على ما جمعه ابن عقده ممن روى عن الصادق(عليه السلام) على ما ذكره النجاشي»؛ نجاشی در ترجمه احمد بن نوح گفته احمد بن نوح یک اسامی‌ای آورده که بیش از آن چهار هزار نفری است که ابن عقده آورده است.

«و الزيادة كثيرة على ما ذكره الشيخ في ترجمة احمد بن نوح»؛ (این عبارت مربوط به اصل احتمال دوم است که بگوئیم چهار هزار در میان شش هزار، که یک افراد زائدی بودند) لیکن اشکال این است که: «و الشيخ مع حرصه على جمعه لأصحاب حتى من لم يذكره ابن عقده على ما صرح به في أول رجاله»؛ شیخ طوسی(قدس سره) در رجالش (با این که حرص بر این داشته که هر چه از اصحاب و ائمه(علیهم السلام) بوده جمع کند)، می‌گوید حتی آنهایی که ابن عقده نقل نکرده را می‌خواهم نقل کنم، «و لأجل ذلك ذكر موسى بن جعفر(عليهما السلام) و المنصور الدوانيقي في أصحاب الصادق(عليه السلام)، و مع ذلك فلم يبلغ عدد ما ذكره الشيخ أربعة آلاف»؛ شیخ طوسی(قدس سره) در رجالش را اصحاب امام صادق(عليه السلام) به چهار هزار تا نمی‌رسد، «فإن المذكورين في رجاله لا يزيدون على ثلاثة آلاف إلا بقليل»؛ وقتی ما در رجال شیخ طوسی بشماریم، از سه هزار یک مقدار بیشتر شده است.^[2]

نکته: چه بسا گفته شود که چهار هزار نفری که ابن عقده گفته، بعضی هم امام باقر(عليه السلام) را درک کردند، هم امام صادق(عليه السلام) و هم موسی بن جعفر(عليهما السلام) را و ابن عقده، همه اینها را به عنوان اصحاب امام صادق(عليه السلام) ذکر کرده است، ولی شیخ طوسی(قدس سره) کسی را که امام باقر(عليه السلام) را درک کرده هر چند امام صادق(عليه السلام) را هم درک کرده باشد، به عنوان اصحاب امام باقر(عليه السلام) آورده است و روی این جهت سه هزار راوی شده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج2، ص: 179.

[2] □ معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، ج1، ص: 57.